

رضوان العدل*

وحید رأفتی

لوح مبارک رضوان العدل یکی از آثار مهمه عظیمه حضرت بهاء الله است که در سنین اولیه ورود به شهر عکا، یعنی در حدود سنه ۱۲۸۷هـ ق/ ۱۸۷۰م از قلم آن حضرت به زبان عربی عز نزول یافته است. این لوح در کتاب آثار قلم اعلی به طبع رسیده^۱ و چندین فقره آن به قلم حضرت ولی عزیز امرالله به زبان انگلیسی ترجمه گشته و در کتاب منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله منتشر گردیده است.^۲

در باره رضوان العدل چند نفر از اهل بهاء مقالاتی مرقوم داشته و منتشر فرموده اند. از جمله مقاله جناب دکتر شاپور راسخ است که تحت عنوان "مفهوم عدل در آثار مبارکه بهائی" در شماره دهم نشریه سفینه عرفان انتشار یافته است.^۳ جناب دکتر محمد افغان نیز شرح کوتاهی درباره رضوان العدل نوشته اند که آن هم در همان شماره نشریه سفینه عرفان منتشر شده است.^۴ شرح مختصر جناب اشراق خاوری درباره رضوان العدل نیز در کتاب گنج شایگان به طبع رسیده است.^۵ رضوان العدل به افتخار جناب آقا سید محمد رضای شه میرزادی فرزند میر محمد علی نازل شده است. آقا محمد رضا از بقیه السیف قلعه شیخ طبرسی بوده و شرح احوال ایشان در کتاب تاریخ شهدای/ امرا جناب محمد علی ملک خسروی و کتاب تاریخ ظهور الحق جناب فاضل مازندرانی مطبوع و منتشر است.^۶ بر اساس مندرجات این منابع، آقا سید محمد رضا در حدود سنه ۱۲۴۷هـ ق/ ۱۸۳۱م متولد شده و دوبار در سنین ۱۳۱۱هـ ق/ ۱۸۹۳م و ۱۳۱۵هـ ق/ ۱۸۹۷م به حضور

* این مقاله مبتنی بر سخنرانی دکتر وحید رأفتی درباره لوح مبارک رضوان العدل است که در انجمن ادب و هنر لندن در دسامبر ۲۰۱۵م ایراد گردیده است.

حضرت عبدالبهاء در عگا مشرف گشته و به سال ۱۳۱۷ هـ ق/ ۱۸۹۹ م در بارفروش به عالم بقا صعود نموده و در بقعه درویش تاج الدین به خاک سپرده شده و سپس در سال ۱۳۴۹ هـ ق/ ۱۹۳۰ م جسدش به مقبره قلعه شیخ طبرسی انتقال یافته و در آنجا مدفون گردیده است.

رضوان العدل اثر گرانقدری در شرح و بسط مفاهیم و معانی عدل است که از فجر فلسفه یونانی تا کنون مورد تتبع و تحقیق فلاسفه، علمای علم اخلاق، جامعه شناسان، علمای علم حقوق و بالاخره متفکرین دینی قرار گرفته و هر یک از این علماء قضیه عدل را بنابر تفکرات مکاتبی که به آن تعلق داشته‌اند، مورد غور و تحقیق قرار داده‌اند. لوح رضوان العدل غیر از طرح و شرح قضایای مربوط به عدل، حاوی اشارتی به اعراض میرزا یحیی ازل و جانبازی چند تن از شهدای بهائی است که بنا به نوشته جناب اشراق خاوری: «... محتمل است که لوح در اوائل ورود به عگا نازل شده و مقصود از شهدای آن ایام جناب بدیع و سید اشرف زنجانی و ابا بصیر زنجانی و جناب میرزا محمد علی طبیب زنجانی باشند، زیرا شهادت شهدای مزبور در سال ۱۲۸۶ هـ ق [۱۸۶۹ م] بوده که سال اول ورود حق تعالی به عگا است.»^۷

اصطلاح "رضوان" در عنوان این لوح منبع به معنی خشنودی و رضا است و به نگاهبان و فرشته موکل امور بهشت نیز اطلاق می‌شود. اصطلاحاتی نظیر روضه رضوان و گلشن رضوان، که در ادب فارسی بسیار به کار رفته، اصولاً معنی بهشت را القاء می‌نماید و با توجه به سابقه این اصطلاح در قرآن مجید، مفهوم رضوان همان بهشت برین و بهشت موعود است. در لوح مبارک رضوان العدل مقصود از رضوان می‌تواند همان باغ بهشت و بهشت موعود در نظر گرفته شود که مظهر زیبایی، طراوت، تناسب و رفاه و آرامش است و این همه وقتی در زمین نیز میسر می‌گردد و زمین آینه بهشت می‌شود که اشجار عدل در آن به رشد و ثمر رسد و عالم وجود در سایه عدل و انصاف مستریح گردد.

کلمه عدل معانی گوناگون و مفاهیم و تعاریف متعددی دارد. از جمله قرار گرفتن هر شیء در جا و مقام خود، یکی از معانی متداول عدل است. در این مفهوم عدالت عبارت از آن است که هر کس کار ویژه خود را انجام دهد و همه کاره نباشد. به عبارت دیگر تقسیم وظائف و عمل کردن به آنچه یک شخص مأمور به انجام و اجرای آن است از مفاهیم عدل و عدالت است. میانه روی و انصاف نیز البته وابستگی تام با مفاهیم عدل دارد. در علوم سیاسی از عدل به عنوان کیفیت

ترتیب و رتق و فتق و ادارهٔ امور جامعه یاد می‌شود، کیفیتی که باید به ائتلاف و تناسب مقرون باشد. در علوم قضائی عدل عبارت از گرفتن حقّ مظلوم و مجازات ظالم و شخص خاطی است. مفاهیم دیگر عدل در معنی قضائی آن عبارت از قضاوت عادلانه و یکسان و رفتار توأم با رعایت مساوات و نیز به حقّ و راستی سخن گفتن است.^۸

با توجه به مفاهیمی از عدل که به اختصار به آنها اشاره شد، عدل اختصاص به فردی خاصّ و گروهی مخصوص ندارد. همه باید در حیات فردی و اجتماعی خود به عدل رفتار کنند یعنی با خود عادل باشند و با رعایت عدالت با دیگران زندگی نمایند. بنابراین عدل و رعایت آن هم برای سلاطین واجب است و هم برای مردم، هم برای رؤسا ضروری است و هم برای مرئوسین، هم برای کارفرمایان است و هم برای کارگران. حضرت بهاءالله در رضوان العدل اسم عادل الهی را مبدأ و مرجع عدل می‌داند و لذا رعایت آن را برای هرکسی و هر چیزی ضروری می‌شمارند. عدل برای سلاطین عبارت از آن است که بین ناس چنان حکم کنند که نسبت به امور خود حکم می‌کنند. عدل برای مردم عبارت از رعایت ادب و انصاف در امور است که به آنان خیر می‌رساند. عدل برای همهٔ خلق عبارت از رعایت اوامر و احکام و دستوراتی است که از مظهر امر الهی سرچشمه گرفته است. بنابراین اقرار به حقیقت مظاهر ظهور و ایمان به آنان وصول به منبع عدل است. در این مفهوم شخص مؤمن در اثر ایمان به مظهر امر و عمل به احکام و اوامر و نواهی او در طریق عدل وارد می‌شود و راه عدل می‌پوید و با خود و اطرافیان و تمامی عالم وجود به عدل رفتار می‌کند. واضح است که برای وصول به این مقصد باید گوش به "صریر قلم اعلی" داد - یعنی به آنچه از قلم مظهر امر جاری شده است - کردن نهاد و مطیع اوامر او شد.

بیان جمال قدم در لوح مبارک برهان کاملاً صریح و واضح است که مظهر ظهور الهی "مطلع عدل" است، یعنی وصول به عدل در گرو ایمان به او به عنوان مطلع عدل است و تجلّی تعالیم و احکام او در حیات فردی و اجتماعی جامعه سبب استقرار و گسترش عدل و ازالهٔ ظلم می‌گردد. بیان جمال رحمن در لوح برهان چنین است که: «... قد فتح باب الفضل و اتی مطلع العدل بآیات واضحات و حجج باهرات من لدی الله المقتدر القدير...»^۹

یکی از مفاهیم عدل که در رضوان العدل به آن اشاره شده "اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه" است. به این معنی که هر شیء در عالم به آنچه در فطرت و ذاتیت او نهاد شده است، فائز گردد و به

تناسب استعداد و ظرفیت و نیاز هر شیء عوامل ظهور کمالات و استعدادات آن شیء در اختیارش گذاشته شود. عبارت "اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه" به عنوان یکی از معانی گسترده عدل ظاهراً از فلاسفه یونانی مایه گرفته و در آثار بهائی نیز وسیعاً انعکاس یافته است.^{۱۰}

از جمله حضرت بهاءالله در یکی از الواح مبارکه چنین می فرمایند:

«... مقام عدل که اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه است به دو کلمه معلق و منوط است مجازات و مکافات. در این مقام هر نفسی باید به جزای عمل خود برسد، چه که راحت و آسایش عالم معلق و منوط به این است، چنانچه فرموده اند قوله تعالی خیمه عالم به دو ستون قائم و برپا مجازات و مکافات...»^{۱۱}

و نیز حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مبارکه می فرمایند:

«هوالبهی - ای آیت جود سلطان وجود، الطافی که به استحقاق باشد، که اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه است از مقتضیات عدل است، ولکن هدایت کبری موهبت عظمی است و از متعلق فضل است و جود. پس تو چون گل شکفته شو و چون سنبل آشفته و چون بلبل گلزار در ستایش پروردگار نغمه و آواز آغاز کن که به این فضل و جود که ملکوت وجود به آن روشن است فائز و واصل و نائل شدی. و البهاء علی اهل البهاء یا احبّ الرحمن. ع»^{۱۲}

در رضوان العدل علل عدم اقبال اهل بیان به جمال قدم به تفصیل مذکور شده و دعاوی و اقدامات میرزا یحیی ازل مورد شرح و بسط قرار گرفته است. در این فقرات توضیح قضیه ظلم در مقابل عدل مد نظر است. عدالت و معرفت حقیقی حضرت باب و تبعیت از آثار آن حضرت چنین ایجاب می نمود که اهل بیان به فرمان حضرت نقطه اولی و مواعید آن حضرت گردن نهند و بر علیه جمال قدم ظالمانه قیام ننمایند. در بیان این مطالب جمال قدم رابطه ظهور حضرت باب نسبت به ظهور خود را همان رابطه بین یحیی معمدانی و حضرت مسیح قلمداد فرموده اند و تلمیح به وقایع حیات حضرت مسیح تصریح به این حقیقت است که جمال قدم "مظلوم" واقع شده اند و آنان که به رعایت عدل موفق شدند از معرفت او ممنوع نگشتند و آنان که از معرفت او باز ماندند از طریق عدل انحراف جسته و به جرگه ظالمین پیوستند.

نزول لوح رضوان العدل و شرح و بسط قضیه عدل در مفاهیم مختلفه آن، می تواند به عنوان ارائه آراء و نظریاتی در زمینه عدل باشد که چند سال بعد با نزول کتاب مستطاب اقدس وسائل

عملی وصول به عدل در آن تنصیص شد و مبانی و ارکان مؤسسه "بیت العدل" در آن سفر منبع وضع و تشریح گردید تا آراء نظری مقرون به مؤسسات و تشکیلات عملی برای استقرار عدل و دموکراسی گردد و "حقیقت" عدل در "واقعیت" صوری خود جلوه و ظهور یابد. با توجه به این مطلب نزول رضوان العدل پس از نزول الواح ملوک و سلاطین و قبل از نزول کتاب مستطاب اقدس، می تواند حلقه وصلی در تحولات فکری و عملی جریان استقرار عدل در عالم تلقی گردد. در این زمینه نحوه انتخابات آزاد، عمومی و سری متداول در تشکیلات بهائی، مشخصات اخلاقی اعضای تشکیلات اداری که در مقامی مجریان و حامیان عدل محسوب می گردند، تقسیم عادلانه ثروت، تأکید بر رسیدگی به حال فقراء، تساوی حقوق زنان با مردان و احکام و حدودی از این قبیل همه و همه عبارت از مقاصد والائی هستند که باید برای استقرار عدالت به کار گرفته شوند.

نکته اساسی در این مقوله آن است که قضیه عدالت در امر بهائی صرفاً عبارت از داشتن افکاری بارز و شریف درباره عدالت نیست، بلکه اصلی از اصول اعتقادات قلبی و ایمانی بهائیان است و بنابراین زیربنای همه اقدامات دیگر قرار می گیرد. نکته دیگر آن که قضیه عدالت و عدالت خواهی و استقرار عدالت در امر بهائی از حدود محلی و ملی و قومی و نژادی و محدودیت هائی از این قبیل به سطحی جهانی که همه افراد انسانی را شامل می گردد، گسترش می یابد و از حد انسان نیز فراتر رفته و آنجا که عدالت به معنی کمک به ظهور استعدادات و قوای مودوعه در هر شیء به کار می رود، کل عالم وجود، از حجر و مدر گرفته تا نبات و حیوان را در بر می گیرد. بر اساس این آیات بیّنات است که "بیت العدل" در سطح محلی و ملی و بین المللی تأسیس می گردد تا این خصایل و فضایل و اهداف و مقاصد را بنیان نهد و ترویج و تقویت نماید. هم به امور نظم دهد و هم امور را تعادل بخشد، چه در رضوان عدل باید دو اصل نظم و تعادل حکمفرما باشد.

اختصاص لوحی مفصل و مستقل به قضیه عدل در آثار جمال قدم و مفاهیم گسترده و ابعاد عدیده ای که در این اثر به قضیه عدل داده شده و سپس تعالیم و مؤسساتی که برای تحقق آن در دیگر آثار بعدی حضرت بهاء الله تنصیص و تشریح گشته، نوید آن را می دهد تا ارکان تمدن جهانی آینده در همه جهات خود بر اساس عدالت استوار گردد و اصل اصیل عدالت و عدالت خواهی عاملی بارز و مشخص برای همه مؤسسات حکومتی و تمام فعالیت های انسان در سازمان دهی

امور اجتماعی خود باشد. وصول به این اهداف واضحاً درک و فهم صریح مفاهیم عدالت را در سطح فردی ایجاد می‌نماید و مستلزم ورود اصل عدالت خواهی و عدالت جوئی در بنیاد نظام‌های تعلیم و تربیت اطفال است تا قلباً قوه روحانی عدالت پروری در آنان رشد نماید و قوه تشخیص ظلم از عدل در جریان قضاوت‌ها و افکار و اعمال آنان رسوخ یابد. با توجه به اصل اساسی وحدت عالم انسانی و حصول ایمان و اعتقاد نسبت به آن است که عدالت از فراز مباحث و تئوری‌های نظری به اراده جمعی در عمل در می‌آید و همه شئون فردی و اجتماعی انسان را در تحت سیطره خود می‌آورد. در این جا است که اصل عدالت اهداف و طرق وصول به آنها را تعریف و تعیین می‌کند و به صورت عاملی سازنده برای تحقق وحدت در فکر و عمل در می‌آید. آن وقت است که نقش عدالت و عدالت خواهی هادی روابط بشری می‌شود و اصل مشورت جمعی به کمک به فهم مفاهیم عدالت می‌شتابد و در ارتباطی متقابل عدالت خواهی مشاورات جمعی را غنی‌تر و پربارتر می‌سازد. در ظل چنین شرایطی است که عدالت عاملی مؤثر در توسعه و تحکیم مبانی اخلاقی می‌شود: از تفرقه جوئی می‌کاهد، سوء استفاده از دیگران را تقلیل می‌دهد، دسیسه بازی و فریب کاری را به انزوا می‌کشانند و در نتیجه تفکر و تمایل نسبت به منافع جمعی و لزوم درک پیوستگی به یکدیگر را در حیات جامعه تقویت می‌نماید. واضح است که در سطوح وسیع‌تر این قضایا لزوم وجود یک محکمه کبرای بین‌المللی و تشکیلات قضائی صالح و درستکار ضرورت می‌یابد و بیشتر احساس می‌شود.

در تمرکز بیشتر بر مطالبی که مطرح شد، عدالت در فرهنگ و مدنیت جهانی آینده به صورت عامل و وسیله‌ای سازنده در می‌آید تا وحدت و هماهنگی و اخوت بین‌المللی از آن به بار آید. این قضیه امروز کاملاً محسوس است که تمدن و پیشرفت علوم و صنایع اگر از اصل عدالت عدول کند و به افراط کشیده شود و اصل عدالت را که در یک مفهوم به معنی ایجاد تعادل و احتراز از افراط و تفریط است به یک سو نهد، مضرات ناشی از آن به مراتب سهمگین‌تر و مضرتر از ادوار تمدن بشری در قرون قبل خواهد بود. مقصود آن است که عدل به مفهوم رشد روحانی انسان و محکوم کردن قوای حیوانی و شهوات نفسانی او و قرار دادن هر شیء به جای خود و نیز تبعیت از راستی و درستی و انصاف که عبارت از مفهوم عدل در قلمرو اخلاق است، باید در نظم جهانی آینده نقشی عمده ایفاء نمایند تا تمدن مادی بشری با عوامل روحانی در حیات انسانی عجین گردد و از

افراط و تفريط بکاهد و انسان و حیات و فرهنگ او را متعادل سازد، یعنی به سوی عدل و عدالت سوق دهد.

بیان جمال قدم در این باره صریح و هدایت بخش است که می فرمایند:

«... انّ الذی تمسک بالعدل انه لا يتجاوز حدود الاعتدال في امر من الامور و يكون على بصيرة من لدى البصير. ان التمدن الذي يذكره علماء مصر الصنائع و الفضل لو يتجاوز حد الاعتدال لتراه نقمة على الناس كذلك يخبركم الخبير. انه يصير مبدأ الفساد في تجاوزه كما كان مبدأ الاصلاح في اعتداله، تفكروا يا قوم و لاتكونوا من الهائمين. سوف تحترق المدن من ناره و ينطق لسان العظمة الملك لله العزيز الحميد و كذلك فانظر في كل شيء من الاشياء ثم اشكر ربك بما ذكرک في هذا اللوح البديع...»^{۱۳}

در آثار مبارکه بهائی به کرات این تمثیل آمده است که عدل و عقل عبارت از دو عنصر اساسی برای سپاهی است که برای آبادانی عالم بسیج می شود. علاوه بر این دو عنصر، چنین سپاهی باید به شیء اخلاقیه نظیر عفو و فضل آراسته باشد و بالمآل توأم با عمار و آبادانی صوری، شادی و نشاط روحی خلق را مد نظر قرار دهد. در آثار مبارکه دیگر، صحبت بر آن است که مربی عالم عدل است، یعنی آنچه عالم را می پروراند، حفظ می کند و به رشد و بلوغ می رساند عبارت از عدل است که بر دو پایه مجازات و مکافات بنا گشته است. مقصود آن است که در ظل عدل هر عامل و عمل خوبی پاداش گیرد و هر خاطی و عمل سیئه ای به جزای خود رسد. در این مقام توجه به نصوص نازله از قلم جمال قدم هادی به درک ابعاد وسیع این مطلب است که می فرمایند:

«... یا معشر الامراء ليس في العالم جند اقوى من العدل و العقل... طوبى لملك يمشى و تمشى امام وجهه رایت العقل و عن ورائه كتيبة العدل انه غرة جبين السلام بين الانام و شامة و جنة الامان في الامكان.»^{۱۴}

و نیز می فرمایند:

«اتقوا الله يا ايها الملوك... اياكم ان لاتظلموا على احد قدر خردل و اسلكوا سبيل العدل و انه لسبيل مستقيم ... اعدلوا يا ايها الملوك بين الناس و كونوا مظاهر العدل في الارض و هذا ينبغي لكم و يليق لشأنكم لو انتم من المنصفين...»^{۱۵}

و نیز در لوحی دیگر می فرمایند:

«... قل یا قوم... ان اعدلوا علی انفسکم ثم علی الناس لیظهر آثار العدل من افعالکم بین عبادنا المخلصین...»^{۱۶}

در آثار مبارکه بین عدل و فضل نیز تفاوت گذاشته شده است. حضرت عبدالبهاء در مفاوضات می‌فرماید:

«بدان که عدل اعطای کلّ ذی حقّ حقّه است. مثلاً شخصی اجیر که از صبح تا شام کار کرده عدل اقتضای آن کند که اجرت او داده شود. فضل آن است که کاری نکرده است و زحمتی نکشیده است، ولی مورد عنایت شده است. مثلاً شما شخصی فقیر را بدون آن که زحمتی کشد عطیه و صدقه دهید و حال آن که او به جهت شما کاری نکرده است که استحقاقی داشته باشد، این فضل است...»^{۱۷}

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی دیگر می‌فرماید:

«... عدم استعداد و استحقاق در یوم میعاد مانع از فیض وجود نه، زیرا یوم فضل است، نه عدل و اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه عدل است. پس نظریه استعداد خود نکن، نظریه فضل بی‌منتهای جمال ابهی نما که فیضش شامل است و فضلش کامل...»^{۱۸}

باری در ارتباط عدل با فضل، در نظری دیگر، مقصود از عدل آن است که انسان هر چه را برای خود می‌خواهد برای دیگران نیز بخواهد و مفهوم فضل آن است که از نفع شخصی خود بگذرد و منفعت خلق خدا را در نظر گیرد. وصول به این افکار و تجلی این نوع طرز فکر در اعمال و رفتار روزمره، شناسائی "مطلع عدل"، یعنی ایمان به مظهر امر را اقتضاء می‌نماید و تجلی عدل در حیات فردی و اجتماعی بشر به منزله کوششی در می‌آید تا نقایص انسان تقلیل یابد و وصول او را در حیات فردی و جمعی او به مراتب کمال امکان پذیر سازد. زیرا ظلم که عبارت از عدم وجود عدل است عبارت از نقص و فقدان و خسارت است. بنابراین عدل وسیله است تا با استفاده از آن کمالات فردی انسان به منصفه ظهور رسد و استعدادات و قوای فردی و اجتماعی انسان ترقی و تعالی حاصل نماید. وجود ظلم به هر شکلی از اشکال آن سبب ادامه نقایص و علت خمودت و پزیمردگی و عقب افتادگی و تجلی عدل در معانی و ابعادی که از آن یاد شد، عبارت از تولّد سرور و نشاط و شادمانی در وجود است، چه رضوان یا بهشت نمادی از زیبایی، کمال، آرامش، تناسب و اعتدال است و وصول به این خصائل و فضائل صرفاً در تحقق عدل در حیات فردی و جمعی

انسان میسر می‌شود. کسی که رضوان یعنی نگهبان، پشتیبان و ناظر بر امور بهشت است مظهر امر الهی است که به صریح بیان در انتهای لوح رضوان العدل چنین می‌فرماید:

«... اَنَا خَلَقْنَا رِضْوَانَ الْعَدْلِ بِقُوَّةٍ مِنْ عِنْدِنَا وَقُدْرَةٍ مِنْ لَدُنَّا وَارْسَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِفَوَاقِهِ عَزَّ بَدِيعٍ. إِذَا ذُقَ مِنْ إِثْمَارِهَا ثُمَّ اسْتَرَحَ فِي ظِلِّ أَوْرَاقِهَا لِتَكُونَ مَحْفُوظًا مِنْ نَارِ الْمُشْرِكِينَ وَبِذَلِكَ أَتَمَمْنَا النِّعْمَةَ عَلَيْكَ لِتَشْكُرَ رَبَّكَ وَتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»^{۱۹}

یادداشت‌ها

- ۱ - حضرت بهاء الله، لوح رضوان العدل، آثار قلم اعلی، مؤسسه ملی مطبوعات، طهران، ۱۲۵ بدیع، ج ۴، ص ۲۹۹-۳۱۹. در تجدید طبع ۱۳۳ بدیع در همان مؤسسه در طهران در ص ۲۴۵-۲۵۸ و نیز آمده است. و نیز در طبع همین کتاب در مؤسسه معارف بهائی، در دانداس، کانادا، ۲۰۰۲ م، ج ۲، ص ۵۵۸-۵۶۹.
- ۲ - حضرت بهاء الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله، لجنه نشر آثار امری، هوفهایم، آلمان، ۲۰۰۶ م، قطعات شماره ۱۲ و ۸۸.
- ۳ - راسخ، شاپور، سفینه عرفان، دفتر امور احبای ایرانی-آمریکائی، محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا، ۲۰۰۷ م، ج ۱۰، ص ۱۸۷-۲۰۱.
- ۴ - افنان، محمد، سفینه عرفان، ج ۱۰، ص ۲۴-۳۱.
- ۵ - اشراق خاوری، عبدالحمید، گنج شایگان، مؤسسه ملی مطبوعات، طهران، ۱۲۴ بدیع، ص ۲۰۷-۲۰۹.
- ۶ - برای ملاحظه شرح احوال جناب آقا سید محمدرضا شهمیرزادی به تاریخ شهدای امر، مؤسسه ملی مطبوعات، طهران، ۱۳۰ بدیع، ج ۲، ص ۳۱۷-۳۲۶، و اثر جناب محمدعلی ملک خسروی و کتاب تاریخ ظهور الحق اثر جناب فاضل مازندرانی، مؤسسه ملی مطبوعات، طهران، ۱۳۱ بدیع، ج ۸، بخش اول، ص ۲۸۸-۲۹۰ مراجعه فرمائید.
- ۷ - اشراق خاوری، عبدالحمید، گنج شایگان، ص ۲۰۷-۲۰۹.

۸ - خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، دوستان - ناهید، طهران، ۱۳۷۷ ه ش، ج ۲، ص ۱۴۴۲-۱۴۴۳. برای مطالعه مطالب مربوط به عدل و عدالت مخصوصاً در معارف اسلامی می‌توان به کتبی نظیر: *دایرةالمعارف تشیع* (ج ۱۱، ص ۱۷۱-۱۷۲) و *معارف و معاریف*، اثر سید مصطفی حسینی دشتی، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۹ ه ش، ج ۴، ص ۱۵۴۰-۱۵۴۲، مراجعه نمود.

۹ - حضرت بهاء‌الله، *مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده*، لجنة نشر آثار امری، هوفهایم، آلمان، ۲۰۰۰ م، ص ۱۲۹.

مضمون بیان مبارک به فارسی آن که: باب فضل و رحمت الهی باز شد و مطلع عدل با آیات واضح و دلایل باهره از طرف خداوند مقتدر قدیر ظهور نمود.

۱۰ - در کتاب *معجم روائع الحکمة والاقوال الخالدة اثر روحی البعلبکی*، المكتب العلمی للتألیف و الترجمة، بیروت، ۱۹۹۷ م، ص ۱۵۵، چنین آمده: "العدل هو اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه" و عبارت به سیمونید نسبت داده شده است. مقصود از سیمونید به ظنّ قوی سیمونیدس کئوسی (Simonides of Geos) است که شرح مختصری از احوالش در *دایرةالمعارف فارسی* (ج ۱، ص ۱۴۱۹) مندرج است.

۱۱ - *یاران پارسی*، مجموعه الواح مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء به افتخار بهائیان پارسی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، هوفهایم، آلمان، ۱۹۹۸ م، ص ۳۷.

۱۲ - حضرت عبدالبهاء، *مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء*، لجنة ملی محفظه آثار، طهران، ۱۳۳ بدیع، شماره ۸۸، ص ۱۲۱.

۱۳ - حضرت بهاء‌الله، *منتخباتی از آثار*، قطعه ۱۶۴.

مضمون مطالب به فارسی چنین است: کسی که متمسک به اصل عدالت گردید، از حدود اعتدال در هیچ امری از امور خارج نمی‌شود و از جانب خداوند بصیر در امور با بصیرت عمل می‌کند. تمدنی که علمای صنایع و فضل و کمال از آن یاد می‌کنند، اگر از حدّ اعتدال خارج شود، عقوبت و عذابی برای مردم است. این چنین خداوند خبیر شما را آگاه می‌سازد. تجاوز از حدّ اعتدال آغاز ظهور فساد در امور است همان طور که مبدأ اصلاح است، اگر انجام امور مقرون به اعتدال باشد. در این مطلب فکر کنید و سرگردان نباشید. به زودی شهرهای عالم از نار تمدن به آتش کشیده

خواهد شد. لسان عظمت می‌گوید که ملک برای خداوند عزیز و حمید است. در همهٔ امور به همین ترتیب بنگرید. پروردگار خود را شکر کن که در این لوح بدیع تو را ذکر نمود.

۱۴ - همان، قطعه ۱۱۲.

مضمون بیانات مبارکه آن که: ای گروه فرمانروایان و زمامداران عالم، در عالم وجود لشکری قوی‌تر از عدل و عقل نیست. خوشا به حال پادشاهی که راه رود و در مقابل او پرچم عقل و از پشت سر او لشکر عدل در حرکت باشد. چنین پادشاهی نور طلعت صلح و سلام در بین مردم است و خال رخ امنیّت و امان در عالم امکان.

۱۵ - همان، قطعه ۱۱۸.

مضمون فارسی بیان مبارک آن که: ای ملوک و زمامداران از خدا بترسید... نکنند که به اندازهٔ خردلی به احدی ظلم کنید. راه عدل بیوئید زیرا راه مستقیم راه عدل و داد است... ای ملوک به عدل و داد بین مردم حکم کنید و مظاهر عدالت در روی زمین باشید، چه این است شایستهٔ شما و شایستهٔ شأن و مقام شما، اگر منصف باشید.

۱۶ - همان، قطعه ۱۲۸.

مضمون فارسی بیان مبارک آن که: ... بگو ای مردم... با نفس خود به عدل رفتار کنید و سپس با مردم، تا آثار عدل و داد از افعال و رفتار شما در بین بندگان مخلص الهی ظاهر شود.

۱۷ - حضرت عبدالبهاء، *مفاوضات*، بریل، لیدن، هلند، ۱۹۰۸م، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۱۸ - حضرت عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب*، مؤسسهٔ مطبوعات بهائی، محفل روحانی ملی بهائیان امریکا، ویلمت، آمریکا، ۱۹۷۹م، ص ۱۷۵.

۱۹ - حضرت بهاءالله، *آثار قلم اعلیٰ*، مؤسسهٔ معارف بهائی، دانداس، کانادا، ۲۰۰۲م، ج ۲، ص ۵۶۹.

مضمون فارسی بیانات مبارکه آن که: ما رضوان عدل را به قوت و قدرت از جانب خود خلق کردیم و با اثمار عزّ بدیع برای تو فرستادیم. از این میوه‌ها بچش و در سایهٔ شاخ و برگ آن آرام‌گیر تا از آتش اهل شرک محفوظ و مصون مانی. به این ترتیب نعمت را بر تو تمام کردیم تا خدای خود را شاکر باشی و از شاکرین محسوب گردی. حمد و ستایش خداوند عالم را سزاوار است.